

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۳۹۷

شاپای چاپی ۲۳۲۲-۲۱۳۱ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۶۷-۱۸۲

نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران

سجاد امیدی؛ دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

حامد چهارسوقی امین*؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران انجام شد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه جمع آوری داده‌ها از نوع علی-ارتباطی و از طریق پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری آن تمامی خانوارهای روستایی شهرستان مهران به تعداد ۸۱۶ خانوار بود که در زمینه کسب و کارهای خانگی فعالیت داشتند. برای تهیه نمونه‌ی ۲۶۰ نفری از این جامعه آماری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه بود. برای تأمین روایی ابزار تحقیق، از پائل متخصصان استفاده شد. به منظور تعیین پایایی، با انجام آزمون مقدماتی از نمونه‌ای ۳۰ نفری از مجریان کسب و کارهایی خانگی شهرستان دهلران (جامعه مشابه)، مقدار ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۵ تا ۰/۹۰ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS18 صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین کارکردهای آزادی و استقلال عمل بیشتر کسب و کارهای خانگی، پایین‌بودن هزینه راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی، تناسب با ویژگی‌های جسمی افراد معلول و کم‌توان، موفقیت بیشتر جسمی افراد معلول و کم‌توان در انجام کسب و کار خانگی، تناسب با اقشار مختلف کسب و کارهای خانگی، عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، کارکردهای تناسب با اقشار مختلف، پایین-بودن هزینه راه‌اندازی کسب و کارهای خانگی و عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی، ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته کاهش فقر خانوارهای روستایی را تبیین نمود.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، کسب و کار روستایی، اقتصاد معیشتی، فقر روستایی، مشاغل روستایی.

* h_chaharsoughi@outlook.com

(۱) مقدمه

تغییرات فزاینده جاری در عرصه اقتصاد جهان، شرایط زندگی را به ویژه در مناطق کم‌درآمد و دوراز مراکز صنعتی و خدماتی شهری وخیم‌تر نموده که روستاهای کشور نیز از این حیث مستثنی نیستند. در چنین شرایطی، توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه در مناطق روستایی به عنوان یکی از الزامات ضروری تداوم حیات اقتصادی روستاها، باید از اولویتهای مهم برنامه‌های کلان توسعه روستایی کشور به شمار رود؛ زیرا این امر به واسطه ایجاد اشتغال و تولید ثروت می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر و بهبود رفاه خانواده‌های روستایی داشته باشد و در عین حال پیامدهای مثبتی را نیز برای آنها به همراه آورد. کسب و کارهای خانگی عمدتاً برای انتساب به آن دسته از عملیات تجاری گفته می‌شود که در گام نخست در یک اقامتگاه خصوصی انجام می‌شود یا در یک بنیاد خانگی متمرکز باشند. کسب و کارهای خانگی معمولاً در بخش کسب و کارهای بسیار کوچک (کسب و کارهای کمتر از پنج کارمند) دسته‌بندی می‌شود. این نوع کسب و کارها همچنین به ویژگی‌های فردی شخص مالک کسب و کار، وابستگی زیادی دارد. مالک کسب و کار خانگی در هر مورد خاص، نیازها و انگیزش‌های متفاوتی برای هدایت کسب و کار دارد (Holmes & Smith, 2008: 76).

در این میان، توسعه کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه فرآیندی پیچیده و دشواری است که برای دستیابی به آن، پیش از هر چیز باید شناخت جامعی نسبت به موانع توسعه عصر کنونی داشت، توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای در تداوم حیات اقتصادی ملت‌ها دارد و به ویژه در کشورهای غیرصنعتی، محور برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی به‌شمار می‌رود (استیگلیتز، ۱۳۸۷: ۸۶).

با توجه به ماهیت و مشخصه‌های جوامع روستایی، تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که مشکلات کمبود درآمد روستاییان (ضعف اقتصادی) و به دنبال آن پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از آن را نمی‌توان تنها با انتقال دانش فنی و فناوری‌ها از یک سو و سرمایه‌های مادی به مناطق روستایی از سوی دیگر، حل شده پنداشت، بلکه عنصر مهم‌تری که بایستی مورد توجه سیاست‌گذاران و کارشناسان توسعه روستایی قرار گیرد، تأکید بر توسعه کسب و کارهای کوچک روستایی به ویژه کسب و کارهای خانگی و فراهم ساختن بسترهای ضروری برای رشد و توسعه آنها است (فتوتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳).

بدین‌سان، بالا بودن نرخ رشد بیکاری پنهان و آشکار در جامعه روستایی در مقایسه با جامعه شهری از یک طرف و عدم امکان سرمایه‌گذاری گسترده برای توسعه صنایع بزرگ از طرف دیگر، دولتمردان را به گسترش کسب و کارهای کوچک در جوامع روستایی ترغیب نموده است. در حالی که ایجاد اشتغال در جامعه روستایی به یک مشکل حاد بدل شده است، مشاغل کوچک روستایی با تأکید بر مشاغل خانگی توانسته‌اند زمینه ایجاد اشتغال و ماندگاری در جامعه روستایی را در فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی فراهم ساخته

و نوعی امید و شادابی را به جامعه هدف ارزانی دارد؛ این مسئله با استقبال متخصصان توسعه روستایی نیز روبرو شده است، به گونه‌ای که برخی از آنها، توسعه کسب و کارهای کوچک و خانگی را مهم‌ترین راهکار توسعه جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم در نظر می‌گیرند (Gibosen & Olivia, 2006: 32). فرصت‌های کسب و کار خانگی باعث خوداشتغالی در راستای رفع کاستی‌ها و تأمین نیازهای محلی یک اقتصاد گردیده و راه را برای توسعه پایدار اقتصادی در جوامع روستایی هموار می‌نماید (Horgan, 2001: 24). به طوری که امروزه کسب و کارهای خانگی از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود. این نوع کسب و کار از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصولات یا خدمات، می‌تواند موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور شوند. همچنین برای جوانان، کسب و کارهای خانگی نقطه شروع مناسبی برای راه‌اندازی کسب و کار شخصی است، زیرا راه‌اندازی آن در مقایسه با دیگر انواع کسب و کار ساده و آسان است، به عنوان نمونه می‌توان با یک رایانه و یک خط تلفن، یک کسب و کار ساده راه انداخت و کارهای خدماتی مختلفی را برای مردم عرضه و از این راه برای خود درآمد کسب کرد (محبی، ۱۳۹۰: ۵۳).

کسب و کارهای روستایی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. اساس بسیاری از این کسب و کارها (صنایع دستی) از دیرباز در خانه‌های روستایی بوده است، ولی به علت کلان شدن سازمان‌ها و تولد ابرسازمان‌های دوران کلاسیک و مدرن عصر صنعتی، تولیدات کارگاهی، صنعتی و کلان صنعتی، کسب و کارهای خانگی روستایی را کم رونق نمود، در حال حاضر، با ظرفیت چندین میلیون فرصت شغلی روبرو هستیم که در صورت آموزش و تربیت شاغلان، مشاغل خانگی می‌تواند به بهره‌وری مطلوبی دست یابد. در دهه‌های گذشته آموزش مشاغل خانگی عمدتاً با وزارت خانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و همچنین تعاونی روستایی بود. از سال ۱۳۷۷، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ایجاد دفتر آموزش کشاورزی تلاش ویژه‌ای در آموزش مشاغل مربوط به روستا و کشاورزی داشته است و با طرح موضوع ایجاد مشاغل خانگی از طرف وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در سال و ارتباط موضوعی این طرح با وزارت خانه مذکور و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، نقش ویژه‌ای به عهده دفتر امور آموزش روستایی در انتقال دانش و مهارت‌های مشاغل خانگی گذاشته شد (همان منبع: ص ۵۶).

در سطح استان ایلام نیز فعالیت‌های زیادی در زمینه کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی صورت گرفته است که حدوداً ده هزار فعالیت را شامل می‌شود (فرمانداری شهرستان مهران، ۱۳۹۴). اکثر این فعالیت‌ها به صورت هدفمند اجرا نشده است و از این رو کسب و کارهای خانگی نتوانسته‌اند زمینه‌های رشد اقتصادی در نواحی روستایی این استان را منجر گردند. در شهرستان مهران، ۶۰۰ خانوار به فعالیت در زمینه کسب و کارهای خانگی به صورت پاره‌وقت در مشاغل همچون صنایع دستی (گلیم‌بافی، قالی‌بافی و نم‌بافی)،

صنایع تبدیلی (فرآوری لبنیات، ترشی و شوریدجات و خشک کردن) برای کسب درآمد فعالیت و اشتغال دارند (همان منبع، ۱۳۹۴).

با توجه به گستردگی و اهمیت توسعه کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی و نقشی که در کاهش فقر در این مناطق دارد، و از طرفی با توجه به اینکه شهرستان مهران از مهم‌ترین شهرستان‌های نواحی مرزی جهت دسترسی سریع تولیدکنندگان به بازارهای بین‌المللی است، ضروری است تا به بررسی نقش و تحلیل این کسب و کارها در کاهش فقر خانوارهای روستایی پرداخته شود تا از طریق شناخت دقیق علمی بتوان نسبت به توسعه آنها اقدام نمود. بر این اساس، هدف کلی از انجام این تحقیق بررسی نقش کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران است.

(۲) مبانی نظری

کسب و کار کوچک بنا به تعریف، کسب و کاری است که اغلب متعلق به بخش خصوصی است و تعداد کارمندان آن محدود و فروش تولیدات آن تقریباً اندک است. مفهوم کوچک در این تعریف متغیر و به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی بستگی دارد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۰). این رقم کمتر از ۸ نفر در کشور چین تا ۵۰۰ نفر شاغل در کشور آمریکا متغیر است (Mohapatra, 2007: 169). در ایران نیز کسب و کارهای که تعداد ۹ نفر یا کمتر نیروی انسانی دارد، کسب و کار کوچک تلقی می‌شود (کلانتری، ۱۳۷۸). بر اساس مطالعات انجام شده، این گونه کسب و کارها توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را داشته و به آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند (Binitizaaba and Umemoto, 2010: 7). در واقع این نوع مشاغل رفتاری پویا با شرایط متغیر محیطی داشته و تقاضا محور هستند و قادرند روش‌ها، مکانیسم تولید، بازاریابی و فعالیت‌های خود را تغییر دهند (Sarosa, 2007). ارزیابی اقتصادی نقش کسب و کارهای کوچک خانگی بیانگر توجیه اقتصادی این نوع فعالیت‌ها در جوامع روستایی است که در ارتباط با موضوع مورد مطالعه تحقیقاتی صورت گرفته است که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

صادقی و داودی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «آثار مخارج دولت بر فقر روستایی در ایران» اثر مخارج دولت بر فقر روستایی با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان شامل متغیرهای تأثیرگذار بر فقر روستایی مورد بررسی قرار داد. نتیجه برآورد آنها نشان داد که سرمایه‌گذاری عمومی در بخش آب، بهداشت و جاده بیشترین آثار را در فقر روستایی داشته‌اند و هزینه‌های دولت در تحقیق و توسعه و آموزش به ارتقاء بیشتر در بهره‌وری یاری رسانده است. هزینه‌های عمومی در توسعه زیرساخت‌های

آموزشی، بهداشتی و راه‌ترابری باعث افزایش بیشتر اشتغال در مناطق روستایی گردیده و هزینه‌های آب، بهداشت و جاده باعث کاهش مهاجرت از شهر به روستاها شده است.

افتخاری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد» با استفاده از پرسشنامه و خط فقر غذایی و با استفاده از روش انرژی دریافتی مواد غذایی به این نتیجه رسیدند که حدود ۳۲ درصد نمونه‌های این بررسی زیر خط فقر قرار دارد. رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل و موانع توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی»، این موانع را به شش گروه: نبود طرح کسب و کار مناسب، نبود تجربه و تخصص، دسترسی نداشتن به بازار مناسب، موانع ناشی از دسترسی نداشتن به اطلاعات، عدم تأمین اعتبار مالی برای سرمایه‌گذاری کسب و کار خانگی و موانع قانونی تقسیم کرده‌اند.

پورآتشی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی مشکلات کسب و کارهای خانگی» نبود زیرساخت مناسب، هزینه‌ی اولیه به نسبت بالا، نیاز به سواد رایانه‌ای و تداوم ارتباط و هزینه‌های پشتیبانی را مشکل اساسی کسب و کارهای خانگی می‌داند.

پورطاهری و همکاران (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی بخش خلیجستان استان قم» انجام داده‌اند. برای این منظور، فقر خانوارهای نمونه به وسیله شاخص مصرف کالری در نزد ۲۶۵ خانوار از ۱۷ روستا از طریق پرسشنامه ارزیابی شد. نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی (نبود اشتغال پایدار، عدم توجه به پتانسیل‌های اقتصادی در مناطق روستایی و مشاغل بومی و خانگی) در مقایسه با عوامل اجتماعی نقش بیشتری در شکل‌گیری فقر منطقه مورد مطالعه دارد.

پیگ و ادامز^۱ (۲۰۱۱) در تحقیق با عنوان «بررسی ارتباط فقر و نابرابری با رشد اقتصادی» با استفاده از اطلاعات و آمار کشورهای در حال توسعه و با تفکیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، از طریق متغیر مجازی، به بررسی ارتباط فقر و نابرابری با رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که با در نظر گرفتن شاخص فقر به صورت خط فقر ۱/۰۸ دلار برای هر نفر روز، کشش رشد و نابرابری درآمدی در الگوی تصریحی محققان برای کشورهای نمونه در حال توسعه ۰/۸۳۸- و ۲/۰۳۶ گزارش شده که بیانگر رابطه معکوس بین رشد اقتصادی و شاخص فقر (خط فقر ۱/۰۸ دلار برای هر نفر در روز) و ارتباط مستقیم نابرابری توزیع درآمدی و فقر است.

^۱ Peag & Adamez

چن و مارتین^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که با عنوان «بررسی وضعیت فقر در کشورهای در حال توسعه» و با استفاده از داده‌های مقطعی ۶۲ کشور در حال توسعه نشان دادند که با افزایش یک درصدی درآمد سرانه، نسبت افرادی که زیرخط فقر (درآمد کمتر از یک دلار در روز) قرار دارد، ۳/۱ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین کشش نسبت به رشد، در خطوط فقر پایین‌تر، بسیار بیشتر است. به عبارت دیگر، منافع رشد اقتصادی برای افرادی که از شدت فقر بیشتری رنج می‌برند، نسبت به سایر فقرا بیشتر خواهد بود. داود و همکاران^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی به فقر مطلق در پاکستان و راهکارهای کاهش فقر پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه دست یافتند که فقر مطلق در مناطق روستایی افزایش یافته است و برای رفع این معضل آموزش در زمینه‌های ایجاد اشتغال به خصوص در بخش کشاورزی و دامپروری از اهمیت زیادی برخوردار است و در این بین زنان روستایی با راه‌اندازی کسب و کارهایی در منزل می‌توانند به اقتصاد خانواده کمک نمایند، برگزاری کلاس‌های آموزشی به روستاییان برای مهارت‌آموزی و ارتقاء دانش آنها و بازاریابی محصولات تولیدی کمک می‌نماید.

ساتیا و اسدزاده^۳ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی تغییرات در میزان فقر در ایران طی دوره پس از انقلاب اسلامی» می‌پردازد. این مقاله به طور مشخص به کمک عوامل رشد و توزیع مجدد به تغییر فقر طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ می‌پردازد و آشکار می‌سازد که طی دوره مزبور، میزان فقر در مناطق روستایی کمی کاهش یافته، درحالی که در مناطق شهری بیش از ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تجزیه تغییرات فقر در طول زمان به اجزای رشد و توزیع مجدد نشان می‌دهد که در هر منطقه جزء توزیع مجدد طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ مثبت بوده است.

(۳) روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی بود و از نظر روش‌شناسی در دسته تحقیقات پیمایشی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی خانوارهای روستایی شهرستان مهران بوده که در زمینه کسب و کارهای خانگی فعالیت داشتند و تعداد آنها بر اساس آمار فرمانداری این شهرستان، ۸۱۶ خانوار برآورد شد. با در نظر گرفتن هر دهستان به عنوان یک طبقه مجزا، برای نمونه‌گیری از روش طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد. حجم نمونه نیز با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۲۶۰ نفر برآورد گردید. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای پنج بخشی شامل ویژگی‌های فردی، کاهش فقر خانوارهای روستایی، کارکردهای کسب و کارهای کوچک خانگی در کاهش فقر

¹ Chen & Martin

² Dawood et al

³ Satya & Assadzadeh

خانوارهای روستایی، کانال‌های ارتباطی و سنجش مشارکت اجتماعی بود که برای تأمین روایی محتوایی، از نظر متخصصان و کارشناسان سازمان فنی و حرفه‌ای در زمینه کسب و کار خانگی و فقر روستایی استفاده شد. همچنین به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، با استفاده از آزمون مقدماتی (راهنما) و با کمک نمونه‌ای ۳۰ نفری از مجریان کسب و کارهای خانگی شهرستان دهلران (جامعه مشابه)، ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۵ تا ۰/۹۰ به دست آمد (جدول ۱).

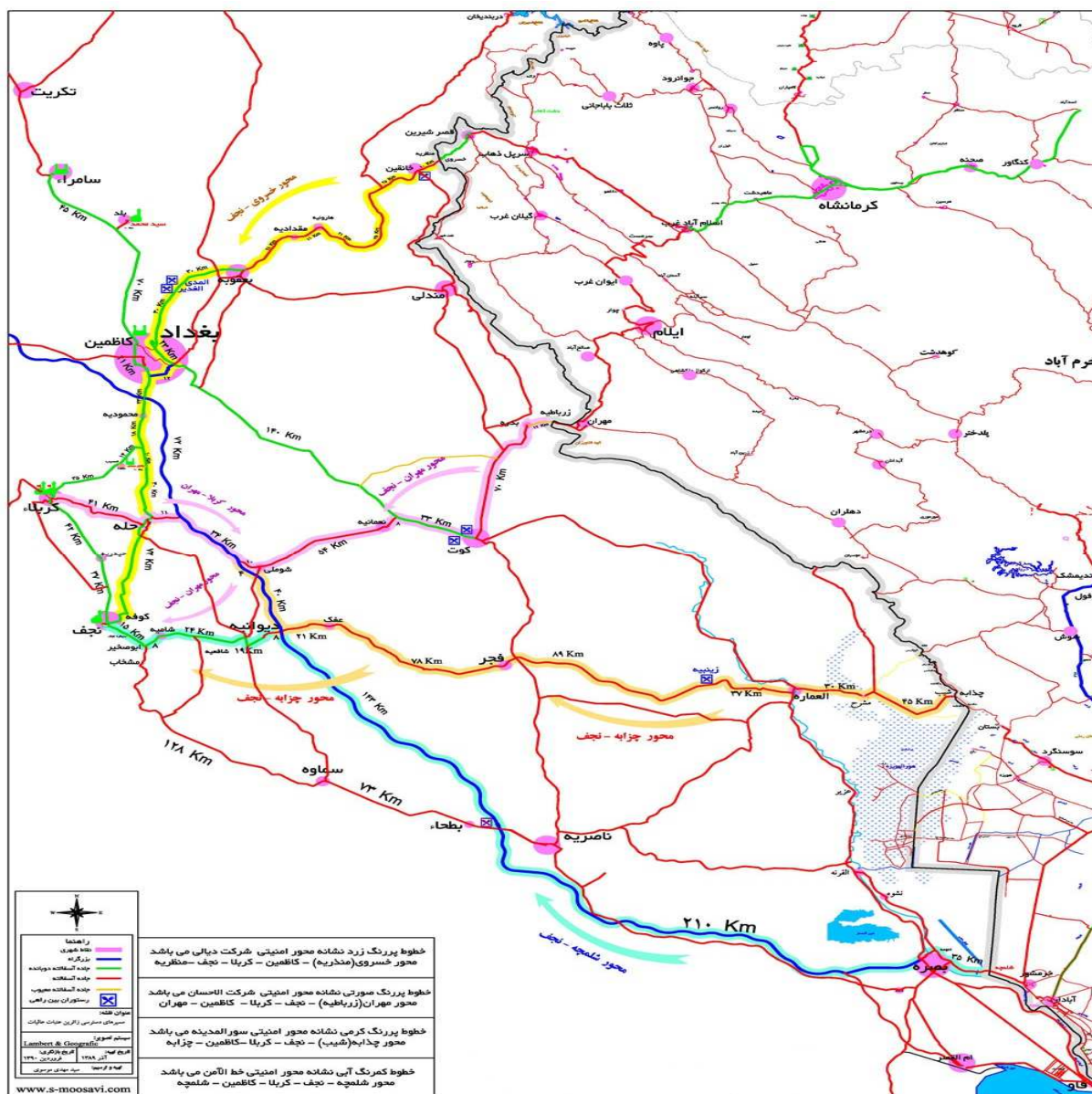
متغیر مستقل این تحقیق کارکردهای کسب و کارهای کوچک خانگی با ابعاد (آزادی و استقلال عمل، ایجاد تعادل و توان بیشتر بین کار و زندگی، انعطاف‌پذیری در ساعات کاری، پایین بودن هزینه راه اندازی، امکان کار پاره وقت، راحتی در تربیت فرزند، فراغت بیشتر برای سایر امور، تناسب با ویژگی‌های جسمی افراد معلول، کسب موفقیت بیشتر، تناسب با اقشار مختلف، احساس راحتی بیشتر، عدم نیاز به مجوز) و متغیر وابسته نیز کاهش فقر خانوارهای روستایی با ابعاد (توانایی در زمینه تأمین مخارج زندگی، تأمین هزینه‌های تحصیل افراد خانواده، مدیریت هزینه‌های اقلام مصرفی خانوار، مدیریت هزینه‌های بهداشتی خانوار، مدیریت هزینه‌های وسایل رفاهی خانوار، سرمایه‌گذاری در زمینه فعالیت‌های کشاورزی، جبران خسارت در مزارع کشاورزی) بود که توسط گویه‌های مختلف و در قالب طیف لیکرت پنج نقطه‌ای (از بسیار کم تا بسیار زیاد) سنجیده شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS_{۱۸}، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد که در قالب آمار توصیفی از شاخص‌های پراکندگی و مرکزی و در قالب آمار استنباطی از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و نیز تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام بهره گرفته شد.

جدول شماره (۱): مقدار آلفای کرونباخ برای قسمت‌های مختلف پرسشنامه

ردیف	بخش	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	ویژگی‌های فردی	۶	۰/۸۵
۲	کاهش فقر	۱۰	۰/۸۱
۳	نقش کسب و کارهای خانگی در کاهش فقر روستایی	۱۱	۰/۹۰
۴	کانال‌های ارتباطی	۹	۰/۷۵
۵	مشارکت اجتماعی	۶	۰/۸۳

شهرستان مهران با ۲۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق در غرب استان ایلام واقع شده است (شکل شماره ۱). این شهرستان از شمال به ایلام، از جنوب به عراق و از شرق به دهلران محدود می‌شود. شهرستان مهران به دلیل هم‌مرز بودن با کشور عراق و همچنین نزدیکی به عتبات عالیات مناسب‌ترین و

بهترین راه برای فعالیت‌های توریستی-زیارتی و از مناسب‌ترین مناطق برای توسعه فعالیت‌های کسب و کار خانگی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی است.



شکل شماره (۱): موقعیت محدوده مورد مطالعه

(۴) یافته‌های تحقیق

حداقل سن پاسخگویان ۱۸ سال، حداکثر سن ۶۵ سال و میانگین سن ۴۶ سال بود. بیشترین فراوانی نمونه آماری مورد مطالعه از نظر جنسیت مربوط به زنان (۱۴۷ نفر) یعنی ۵۶/۵۳ درصد از کل پاسخگویان بود. ۱۸۶ نفر (۷۱/۵۳٪) از پاسخگویان، متأهل و ۷۴ نفر (۲۸/۴۶٪) مجرد بوده‌اند. در خصوص تجربه

کاری در زمینه کسب و کار خانگی یافته‌ها نشان داد که حداقل سابقه کاری ۱ سال و بیشترین سابقه کار ۲۳ سال و میانگین سابقه کار ۱۲ سال بود. سطح تحصیلات نمونه آماری مورد مطالعه حاکی از آن بود که اکثریت نمونه مورد مطالعه با فراوانی ۹۳ نفر (۳۵/۷۶ درصد) سطح تحصیلات آنها زیر دیپلم می‌باشند. اکثریت پاسخگویان، ۱۰۴ نفر (۴۰٪)، در زمینه فرآوری لبنی فعالیت دارند.

جدول شماره (۲): آمار توصیفی ویژگی‌های پاسخگویان (n=۲۶۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	نما	بیشینه	کمینه
سن / سال	۴۶	۵/۵۶	-	۶۵	۱۸
جنسیت	-	-	زن	-	-
وضعیت تاهل	-	-	متاهل	-	-
سابقه کار	۱۲	۳/۰۳	-	۲۳	۱
سطح سواد	-	-	زیر دیپلم	-	-

به‌منظور سنجش تأثیر کسب و کارهای خانگی در زمینه کاهش فقر، ۱۰ سوال با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد) مطرح گردید تا پاسخگویان نظر خود را در مورد هر یک از گویه‌ها اظهار دارند. دامنه امتیاز جهت سنجش میزان تأثیر کسب و کارهای خانگی در زمینه کاهش فقر با ده سوال از ۱۰ تا ۵۰ بوده که با تقسیم این دامنه به پنج قسمت مساوی، اکثریت پاسخگویان ۹۸ نفر (۳۷/۶۸٪) عنوان کرده‌اند که میزان تأثیر کسب و کارهای خانگی در زمینه کاهش فقر در حد متوسط قرار دارد. بر اساس جدول ۳، پاسخگویان به ترتیب انعطاف‌پذیری در ساعات کاری، ایجاد فرصت بیشتر برای انجام سایر امورات زندگی و احساس راحتی بیشتر را از جمله موثرترین نقش‌های کسب و کار خانگی در کاهش فقر روستایی برشمردند. این یافته تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل مشغله زیاد زندگی روستایی انعطاف‌پذیری، نقش مهمی در گرایش مردم به سمت کسب و کارهای کوچک خانگی دارد و از نظر مردم مهم‌ترین عامل است و همچنین می‌تواند فرصت کافی برای انجام سایر امورات زندگی داشته باشند و در انجام کسب و کارهای خانگی احساس راحتی بیشتری می‌کنند.

جدول شماره (۳): اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به میزان تأثیر کسب و کارهای خانگی در زمینه کاهش فقر

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه ای*	گویه
۱	۰/۱۶	۰/۶۸	۴/۱۰	انعطاف‌پذیری در ساعات کاری
۲	۰/۱۷	۰/۶۷	۳/۸۴	ایجاد فرصت و زمان بیشتر برای انجام سایر امورات زندگی
۳	۰/۱۹	۰/۷۱	۳/۶۹	احساس راحتی بیشتر
۴	۰/۲۰	۰/۷۵	۳/۶۲	ایجاد تعادل بیشتر بین کار و زندگی
۵	۰/۲۰	۰/۷۵	۳/۷۱	امکان کار پاره‌وقت در کنار کار خانگی
۶	۰/۲۱	۰/۷۹	۳/۶۲	عدم نیاز به مجوز از سوی مراجع قانونی
۷	۰/۲۱	۰/۷۷	۳/۶۵	تناسب کسب و کار با ویژگی‌های جسمی افراد معلول و کم‌توان
۸	۰/۲۱	۰/۸۱	۳/۷۵	پایین‌بودن هزینه راه‌اندازی کار خانگی
۹	۰/۲۱	۰/۷۸	۳/۶۵	آزادی و استقلال عمل بیشتر
۱۰	۰/۲۱	۰/۷۱	۳/۲۹	موفقیت بیشتر افراد معلول در انجام کسب و کار خانگی
۱۱	۰/۲۱	۰/۷۴	۳/۴۲	راحتی در تربیت فرزند در کنار انجام فعالیت کسب و کار خانگی

*مقیاس رتبه‌ها: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد

اولویت‌بندی کانال‌های ارتباطی برای کسب اطلاعات در مورد کسب و کار خانگی نشان داد که از نظر پاسخگویان مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی به ترتیب اولویت شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، مطالعه نشریات و مددکاران ترویجی هستند. این یافته نشان می‌دهد که برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه کسب و کارهای کوچک خانگی نقش مهمی در دستیابی مردم به اطلاعات و دانش لازم در این زمینه ایفاء می‌کند و مراکز خدمات در صورت توزیع نشریات لازم و مفید، می‌توانند به توسعه این نوع کسب و کار در مناطق روستایی کمک کنند. مددکاران نیز با ملاقات‌هایی که به صورت حضوری و در محل کسب و کار خانگی متقاضیان انجام می‌دهند، می‌توانند مشکلات آنها را برطرف نموده و به آنها راهنمایی لازم ارائه دهند.

جدول شماره (۴): اولویت‌بندی کانال‌های ارتباطی برای کسب اطلاعات در زمینه کسب و کار خانگی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای*	گویه
۱	۰/۳۴	۱/۱۵	۳/۳۴	شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی
۲	۰/۳۴	۱/۱۴	۳/۳۰	مطالعه نشریات و بروشورها
۳	۰/۳۶	۱/۲۱	۳/۳۵	مددکاران ترویجی
۴	۰/۳۵	۱/۱۲	۳/۱۷	شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی
۵	۰/۳۷	۱/۱۷	۳/۱۰	توصیه‌های شورای اسلامی محل
۶	۰/۳۸	۱/۱۴	۳/۰۰	توصیه رهبران محلی
۷	۰/۴۳	۱/۲۶	۲/۹۰	برنامه‌های تلویزیونی
۸	۰/۴۳	۱/۳۴	۳/۰۹	رایانه و اینترنت
۹	۰/۴۶	۱/۴۲	۳/۰۷	برنامه‌های رادیویی

*مقیاس رتبه‌ها: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد

جدول ۵ نشان می‌دهد که بین کارکرد آزادی و استقلال عمل بیشتر کسب و کارهای خانگی، پایین-بودن هزینه راهاندازی کسب و کارهای خانگی، تناسب با ویژگی‌های جسمی افراد معلول و کم‌توان، موفقیت بیشتر افراد معلول و کم‌توان در انجام کسب و کار خانگی، تناسب با اقشار مختلف، عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی با کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه مثبت و معناداری در سطح $(P=0.1)$ وجود دارد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیقات افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، پیچ و آدامس (۲۰۱۱)، پورآتشی (۱۳۸۹) و رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹) همسو است.

جدول شماره (۵): رابطه بین متغیرهای تحقیق و کاهش فقر روستایی ($n=260$)

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری
آزادی و استقلال عمل بیشتر	۰/۴۱۰**	۰/۰۰۰
انعطاف‌پذیری در ساعات کاری	۰/۶۵۹	۰/۱۳۷
ایجاد تعادل و توان بیشتر بین کار و زندگی	۰/۵۵۱	۰/۳۱۱
پایین‌بودن هزینه راهاندازی کسب و کارهای خانگی	۰/۷۶۶**	۰/۰۰۲
امکان کار پاره‌وقت کسب و کارهای خانگی	۰/۴۵۴	۰/۲۱۴
راحتی تربیت فرزند	۰/۷۸۹	۰/۲۷۲
فرصت و زمان بیشتر برای انجام سایر امورات زندگی	۰/۴۸۷	۰/۲۱۵
تناسب با ویژگی‌های جسمی افراد معلول و کم‌توان	۰/۱۲۳*	۰/۰۱۱
موفقیت بیشتر افراد معلول و کم‌توان در انجام کسب و کار خانگی	۰/۷۳۲**	۰/۰۰۰
تناسب با اقشار مختلف	۰/۷۶۹**	۰/۰۰۰
احساس راحتی بیشتر	۰/۸۱۱	۰/۰۸۷
عدم‌نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی	۰/۸۳۴**	۰/۰۰۶
سطوح معنی‌داری:	** $p \leq 0.01$	* $p \leq 0.05$

برای تعیین تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق (کاهش فقر روستایی) از رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. بدین ترتیب سه متغیر در سه گام متوالی وارد معادله رگرسیون شدند (جدول‌های ۶ و ۷). به منظور رعایت مفروضات تحلیل رگرسیونی از آزمون دوربین واتسون به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر (عدم همبستگی بین خطاها) استفاده شد. مقدار این آماره معادل $2/3$ به دست آمد که با توجه به دامنه قابل قبول آماری آن برای انجام تحلیل ($1/5$ تا $2/5$)، فرض استقلال خطاها از یکدیگر پذیرفته شد. در ادامه تشریح گام‌های این تحلیل ارائه می‌شود:

در گام اول، متغیر "کارکرد پایین‌بودن هزینه راهاندازی" (X_1) به عنوان اولین متغیر ورودی به معادله بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران داشته است که در این مرحله ضریب رگرسیون $R=0.576$ و ضریب تعیین تعدیل شده $R^2=0.325$ محاسبه گردید. از این رو می‌توان اظهار داشت که متغیر مذکور به تنهایی حدود 33% درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در گام

دوم متغیر "کارکرد عدم نیاز به مجوز" وارد معادله شد که در این مرحله ضریب همبستگی برابر ۰/۷۹۴، ضریب تعیین ۰/۵۶۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۵۲ محاسبه شد.

علاوه بر این مقدار F حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس در سطح ۱٪ معنی دار شده است. می توان گفت در مجموع، دو متغیر مذکور، حدود ۵۶٪ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند. در گام سوم پس از دو متغیر مورد اشاره، متغیر "کارکرد تناسب با اقشار مختلف" وارد معادله شد که در این مرحله ضریب همبستگی برابر ۰/۸۱۲، ضریب تعیین ۰/۶۵۹، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۳۴ محاسبه شد. علاوه بر این، مقدار F حاصل از تحلیل واریانس در سطح ۱٪ معنی دار شده است. می توان گفت که سه کارکرد "تناسب با اقشار مختلف"، "پایین بودن هزینه راه اندازی" و "عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی"، حدود ۶۵٪ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق پورآتشی (۱۳۸۹) و رودگرنژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹)، همسو است. براساس یافته تحلیل رگرسیونی می توان دریافت که چون در کسب و کارهای کوچک خانگی، اقشار مختلف و در سنین متفاوت می توانند فعالیت نمایند و هزینه زیادی برای راه اندازی آنها مورد نیاز نبوده و در منزل قابل انجام و نیاز به مجوز ندارد، گرایش زیادی برای فعالیت در این زمینه وجود دارد و در واقع این کارکردها سبب شده که مردم در مناطق روستایی به این نوع کسب و کار روی آورده تا بتوانند برای خانواده خود کسب درآمد نموده و سطح رفاه آنها را بهبود بخشند.

جدول شماره (۶): مدل رگرسیونی نقش کسب و کارهای خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران

گام	متغیرها	R	R ²	Adj R square	F
۱	پایین بودن هزینه راه اندازی (X _۱)	۰/۵۷۶	۰/۳۳۲	۰/۳۲۵	۴۹/۲۵۰**
۲	عدم نیاز به مجوز (X _۲)	۰/۷۴۹	۰/۵۶۱	۰/۵۵۲	۶۲/۶۷۷**
۳	تناسب با اقشار مختلف (X _۳)	۰/۸۱۲	۰/۶۵۹	۰/۶۳۴	۷۱/۸۵۴**

سطوح معنی داری: **p ≤ ۰/۰۱ *p ≤ ۰/۰۵

جدول شماره (۷): ضرایب مدل رگرسیونی نقش کسب و کارهای خانگی در کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران

Sig	t	ضرایب استاندارد نشده			متغیرهای پیش بین
		β	خطای معیار	B	
۰/۰۰۰	۴/۳۲۳**	-	۰/۱۸۶	۰/۸۰۲	عدد ثابت (عرض از مبدأ)
۰/۰۰۰	۹/۳۰۰**	۰/۶۲۶	۰/۰۴۶	۰/۴۲۴	پایین بودن هزینه راه اندازی (X _۱)
۰/۰۰۰	۷/۱۵۲**	۰/۴۸۱	۰/۰۴۷	۰/۳۳۷	عدم نیاز به مجوز (X _۲)
۰/۰۰۰	۶/۳۵۷**	۰/۳۹۸	۰/۰۶۵	۰/۲۸۷	تناسب با اقشار مختلف (X _۳)

۵) نتیجه گیری

امروزه کسب و کارهای خانگی از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود. کسب و کار خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می‌شود. در این مقاله به بررسی نقش کسب و کارهای خانگی بر کاهش فقر خانوارهای روستایی شهرستان مهران پرداخته شده است. نتایج این بررسی نشان داد که هرچه آزادی و استقلال عمل در انجام کسب و کارهای کوچک خانگی بیشتر باشد به همان اندازه فقر در بین خانوارهای روستایی کاهش پیدا کرده و باعث گرایش بیشتر خانوارهای روستایی برای راه‌اندازی این کسب و کارها می‌شود. هرچقدر هزینه کسب و کارهای کوچک خانگی پایین باشد، به همان نسبت استقبال از این نوع کسب و کارها افزایش پیدا می‌کند و به دنبال آن نیز فقر در بین خانوارهای روستایی کاهش پیدا می‌کند. با توجه به محدودیت افراد معلول در انجام یکسری از مشاغل و فعالیت‌های کوچک خانگی، ویژگی خانگی بودن این گونه کسب و کارها، این گونه افراد راحت‌تر می‌توانند از عهده این نوع کسب و کارها برآیند و به دنبال آن منبع درآمدی برای خود کسب نموده و فقر در بین این گونه خانوارها کاهش پیدا می‌کند. با توجه به اینکه کسب و کارهای کوچک خانگی مختص به جنسیت و یا سن خاصی نیست و هر فردی چه شاغل یا غیرشاغل می‌تواند در منزل و در اوقات بیکاری انجام دهد؛ بنابراین با اقشار مختلف تناسب داشته و این ویژگی باعث می‌شود که راه‌اندازی و تمایل به آن افزایش پیدا کند. از آنجا که این نوع کسب و کارها در منزل انجام می‌شود و نیاز به مجوزهای مرسوم و دست و پاگیر ندارد، بنابراین قابل توسعه بوده و از لحاظ اقتصادی به خانوارهای روستایی کمک می‌شود.

بر اساس نتایج تحلیل گرسیون می‌توان به این نتیجه رسید که این کسب و کارها تناسب با اقشار مختلف همراه با پایین بودن هزینه راه‌اندازی و نیز عدم نیاز به مجوز برای آن بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر خانوارهای روستایی داشته‌اند و از این نظر اقشار مختلف مردم از نظر سنی و جنسیتی می‌توانند در این گونه کسب و کارها وارد شوند و به هزینه زیادی برای راه‌اندازی و شروع آن نیاز نبوده و می‌تواند در منزل انجام شود. شاید دلیل تمایل و گرایش خانوارهای روستایی را برای فعالیت در این زمینه را بتوان بدین صورت توجیه کرد. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

❖ از آنجا که بین آزادی و استقلال عمل بیشتر کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های مختلف کسب و کارهای خانگی به مردم معرفی شده و به افراد کمک شود که در هر رشته شغلی و زمینه‌ای از کسب و کارهای خانگی فعالیت نمایند و مراکز خدمات ترویجی توزیع نشریات آموزشی متناسب با نیازهای آموزشی در زمینه کسب و کارهای کوچک خانگی مورد نیاز برای بهره برداران را در برنامه‌ریزی‌های خود مدنظر قرار دهند.

❖ با توجه به رابطه بین پایین بودن هزینه راهاندازی کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی، پیشنهاد می‌شود موسسات و نهادهای مالی تسهیلات با بازپرداخت طولانی و با بهره کم در اختیار متقاضیان راهاندازی کسب و کارهای کوچک خانگی قرار داده تا نسبت به راهاندازی و توسعه این نوع کسب و کار اقدام نمایند.

❖ بر اساس رابطه بین تناسب با ویژگی‌های جسمی افراد معلول و کم‌توان و کاهش فقر خانوارهای روستایی پیشنهاد قابل طرح است که ادارات و نهادهای مرتبط از جمله بهزیستی و کمیته امداد نسبت به تهیه ماشین آلات مورد نیاز در زمینه کسب و کارهای کوچک خانگی اقدام نموده و آنها را در اختیار افراد معلول و کم‌توان قرار دهند تا این افراد بتوانند منبع درآمدی برای خود کسب نمایند.

❖ با توجه به این که بین موفقیت بیشتر جسمی افراد معلول و کم‌توان در انجام کسب و کار خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که مراکز خدمات ترویجی استفاده از تکنولوژی آموزشی مناسب برای آموزش‌های رودرو برای افراد معلول و کم‌توان را بیشتر و در برنامه ریزی‌های خود مدنظر قرار دهند تا بتوانند اطلاعات و دانش لازم را در اختیار این گونه افراد قرار دهند و سازمان‌ها و ادارات مرتبط خرید تضمینی محصولات کسب و کارهای خانگی را در دستور کار خود قرار دهند.

❖ با توجه به اینکه بین تناسب با اقشار مختلف مقوله کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور آشنایی بهره‌برداران مختلف با کسب و کارهای کوچک خانگی در دستور کار مسئولین ذی‌ربط قرار گیرد.

❖ بین عدم نیاز به مجوز کسب و کارهای خانگی و کاهش فقر خانوارهای روستایی رابطه وجود دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که ادارات و نهادهای مرتبط با توجه به انجام کسب و کارهای خانگی در منزل متقاضیان را برای کسب مجوزهای لازم تحت فشار قرار نداده تا متقاضیان بتوانند به فعالیت خود در این زمینه ادامه دهند.

۶) منابع

- استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۵)، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن. ترجمه: محمدرضا باوفا، انتشارات امیرکبیر، تهران: ص ۸۶، صص ۲۵۰-۱.
- پور طاهری، مهدی، حسین طالبی و علیرضا افتخاری، (۱۳۸۸)، تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی بخش خلجستان استان قم. فصلنامه برتانه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم شماره ۲.
- پورآرتشی، مهتاب، (۱۳۸۹)، مشاغل خانگی از راه دور راهبرد نیل به توسعه روستایی. ارائه شده در اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، ص ۳۸.
- صادقی، حسین و آزاده داودی، (۱۳۹۰)، آثار مخارج دولت بر فقر روستایی در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۷-۱۲۶.

- طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۰) صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵، صص ۱۶۸-۱۵۱.
- فتوتی، هستی، مسعود برادران، سیروس سلمان زاده و منصور غنیان، (۱۳۹۰)، تبیین نقش ترویج و آموزش کشاورزی در افزایش مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی دهستان شاوور شهرستان شوش. مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار، اهواز، صص ۴-۱.
- کیاکجوری، کریم و فروغ رودگرنژاد، (۱۳۸۹). ارائه مدلی مفهومی از یادگیری کارآفرینانه. مجله علمی پژوهشی مدیریت، ص. ۳۱.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۷۸). تجربه‌ی کشورهای در حال توسعه در صنایع کوچک. ماهنامه‌ی جهاد، شماره‌ی ۱۸۸.
- محبی، بهرام، (۱۳۹۰). اشتغال و فقر در جامعه‌ی روستایی ایران. سمینار برنامه ریزی مراکز و سکونتگاههای روستایی. تهران. صص ۴۸-۵۷.
- Binitizaaba, Z. and Umemoto, K. (2010). **Women's empowerment through the development of micro entrepreneurship in rural Bangladesh.** The social sciences, Vol. 5(1), pp 1-9.
- Dawood, J., Philip R., Eberle, A., Ghaffar, A. and Munir, K. (2009). **Absolute poverty in Pakistan: where are the poor concentrated?** Sarhad J. Agric. Vol.25. pp 45-59
- Gibosen, J. and Olivia, S. (2006). **The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia.** Journal of World Development, 12: 28-36.
- Holmes, F and Smith, T. (2008). **Trade and jobs in U.S manufacturing,** Brookings Papers on Economic Activity. Vol.1. Washington, D.C: Brooking Institution, pp1-84.
- Holmes, S., Smith, S. and Cane, G. (2008). **Gender issues in home-based business operation and training: an Australian overview.** Women in Management Review. Volume 12. Number 2. pp. 68-73.
- Horgan, M. (2001). **Policy, regulations and approaches to home-based business in the Eastern Metropolitan Region.** Research Report, Eastern Metropolitan Regional Council.
- Mohapatra, S. (2007). **The rise of self-employment in rural china: Development or distress.** World Bank, Vol. 35 (1), pp 163-181.
- Peag, B. and Adamez, R. (2011). **Subjective assessments, participatory methods and poverty dynamics: The stages of progress methods.** Chronic Poverty Research Center Working Paper Oxford: Oxford University press.
- Ravallion, M. (2010), **Short communication on the urbanization of poverty,** Journal of Development Economics, 68.
- Sarosa, S. (2007). **The information technology adoption process within Indonesian small and medium enterprises.** University of Technology, Sydney.
- Satya, P. and Assadzadeh, A. (2001). **Poverty, growth and redistribution, a case study of Iran,** UNU, WIDER.

